

مبانی اعتقادی
مهدویت
سید مسعود پورسیدآقایی


بسم الله الرحمن الرحیم

مبانی اعتقادی مهدویت

نویسنده:

سید مسعود پور سید آقایی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیهالسلام

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵

مبانی اعتقادی مهدویت ----- ۶

مشخصات کتاب ----- ۶

دیدگاه‌ها ----- ۶

مبانی اعتقادی ----- ۶

اشاره ----- ۶

اهمیت امامت ----- ۶

بستر بحث ----- ۷

ضرورت امامت ----- ۸

اشاره ----- ۸

اهداف حکومت ----- ۸

قلمرو حکومت ----- ۹

پاورقی ----- ۱۱

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ----- ۱۱

مبانی اعتقادی مهدویت

مشخصات کتاب

نویسنده : مسعود پور سید آقایی
ناشر: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

دیدگاه‌ها

مسأله‌ی مهدویّت به خاطر ابعاد متعدد آن از منظرهای مختلف و زوایای گوناگون قابل بررسی‌است. می‌توان آن را از جنبه‌های اعتقادی، [۱] تاریخی، [۲] فلسفه‌ی تاریخ، [۳] روان‌شناختی، تربیتی، اجتماعی و... مورد کنکاش و بررسی قرار داد. نوع رویکرد به مسأله و تعیین حوزه‌ی بحث و زاویه‌ی دید برای اتخاذ روش مناسب با آن حوزه و به دست آوردن نتایج صحیح و پرهیز از اشتباه ضرورتی تام دارد.آن‌چه در این‌جا ارایه می‌شود، نگاه به مهدویت از منظر اعتقادی است. این نگاه، حوزه‌ای وسیع و پردامنه را در برمی‌گیرد و نسبت به دیگر رویکردها به خاطر مبنا و ریشه‌ای بودن آن از نقشی مهم‌تر و اهمیتی دو چندان برخوردار است.

مبانی اعتقادی

اشاره

همان‌طور که اشاره شد حوزه‌ی مباحث اعتقادی مهدویت، حوزه‌ای وسیع و گسترده است. آن‌چه ما از آن گفت‌وگو می‌کنیم نه تمامی این مباحث که مبانی و ریشه‌های اساسی بحث مهدویت است.مهدویت و اعتقاد به امام زنده‌ی غایب برخاسته از ریشه‌ها و پایه‌های مستحکمی است که ما از آن، به مبانی اعتقادی یاد می‌کنیم. بدون این پایه‌ها و ریشه‌های عمیق برخاسته از براهین عقلی و نقلی، هیچ رویشی شکل نمی‌گیرد و دوامی نمی‌آورد. برخی از مباحث قابل طرح در مبانی مهدویت عبارتند از:۱ - امامت (اهمیت، ضرورت، ویژگی‌ها، راه انتخاب و...)۲ - مهدویت از منظر آیات و روایات (شیعه و سنی)۳ - نظری اساسی به مجموعه‌ی احادیث مهدویت۴ - دلایل تولد امام مهدی(عج)۵ - فلسفه‌ی غیبت۶ - نقش امام در عصر غیبت (فواید امام غایب)۷ - وضعیت شیعه در عصر غیبت (ولایت فقیه)۸ - قیام و انقلاب، پیش از قیام حضرت۹ - وظایف شیعه در عصر غیبت۱۰ - طول عمر حضرت۱۱ - انتظار۱۲ - دیدار با حضرت۱۳ - جایگاه حضرت (بررسی افسانه‌ی جزیره‌ی خضرا)۱۴ - ویژگی‌های یاران حضرت۱۵ - علایم و شرایط ظهور۱۶ - حکومت جهانی (امکان، شکل و...)۱۷ - سیره‌ی حضرت (در عصر غیبت و ظهور)۱۸ - دین در عصر ظهور و....از این مجموعه بدون تردید مهم‌ترین و ریشه‌ای‌ترین مسأله همان مباحث امامت و ضرورت آن است. مناسب است قبل از پرداختن به ضرورت امامت اشاره‌ای به اهمیت و جایگاه و بستر این بحث داشته باشیم. مقصود از جایگاه، روشن کردن این نکته است که بحث امامت، به چه زمینه‌هایی احتیاج دارد و در چه فضایی مطرح می‌شود و اساساً در بستر و سیر مباحث اعتقادی در چه جایگاه و رتبه‌ای قرار می‌گیرد.

اهمیت امامت

شیعه با اعتقاد به امامت گره خورده است و با این طرح، راه خویش را در تاریخ آغاز کرده و در این راه رنج‌ها برده است، تا آن‌جا که به اعتراف برخی محققان [۴] آن‌قدر که در این راه شمشیر کشیده شد و جان‌فشانی شد، در هیچ برهه‌ای از زمان و در مورد هیچ

یـک از دیگر آموزه‌های دین، شمشیر زده نشـده و جان‌فشانی نشـده است.این جان‌فشانی و اهتمام، از آن‌جا برخاسته که به گفته‌ی قرآن، امام مکّمل دین و متمّم همه‌ی نعمت‌هایی است که خداوند در هستی قرار داده است. [۵] رسول‌صلی الله علیه وآله آن‌قدر که به این امر سـفارش می‌کرد به هیچ‌یک از امور دیگر سفارش نمی‌کرد [۶] و آن‌قـدر که برای این مهم از اولین روزهای دعوت علنی تـا آخرین لحظـات عمرش در بستر بیمـاری، گـام برمی‌داشت و اقـدام می‌کرد، برای هیـچ کـار دیگری اقـدام نمی‌کرد و زمینه‌سازی نمی‌نمود. [۷] .امروز و در این نسـل، ما امامت را پـذیرفته‌ایم، ولی هنوز برای بسیاری از ما، طرح امامت و در نتیجه، بحث امام زمان (عج) گنگ و مبهم می‌باشد و به صورت میراثی از آن پاسداری می‌شود. میراثی که هنوز عمق و ضرورتش را نچشیده‌ایم.طرح‌هایی که امـامت را برای چنـد نسل بر اساس نص و سـنت می‌گیرنـد و سـپس شورایی حسابش می‌کننـد. و طرح‌هایی که امامت را در حد رهبری تفسـیر می‌کننـد و شـرایطش را حـذف می‌کنند، خواه از نسل علی‌علیه السـلام یا دیگری و طرح‌هایی که امامت را موروثی و سلطنتی و نور چشم بازی خیال می‌کنند. و طرح‌هایی که امامت را غیرقابل تحلیل می‌شناسـند و بر اساس تعبد با تمام ابهامش باورش می‌کننـد. تمـام این طرح‌هـا، امـامت را نفهمیده‌انـد و جایگاه و بنیادهایش را نشـناخته‌اند و در تاریکی تیر انداخته‌انـد.شایـد این همه تفسیر و تأویـل از آن‌جـا مـایه می‌گیرد که مـا حکومت‌هـا را در همین اشـکال موجود دنبال می‌کنیم و در میان همین سیسـتم‌ها نقد می‌زنیم و از آن‌جـا که هیچ‌کـدام از این‌هـا بـا امـامت نمی‌خوانـد یـا از کنـار آن می‌گـذریم یا آن را تخفیف می‌دهیم تا مورد قبول روشـنفکران قرار گیرد.شاید این گمان‌ها از این‌جا برخاسـته‌اند که ما امامت را مبهم طرح کرده‌ایم و آثار و مرزها و اثراتش را نشان نـداده‌ایم و این طرح حکومـتی را جـدی نگرفته‌ایم.اگر مـا جایگـاه امـامت را بشناسـیم و ضـرورتش را لمس کنیم، بر اسـاس همـان ضرورت، وجود امام زمان (عج) را احساس می‌کنیم و از زیر بار اشـکال‌های بنی‌اسـراییلی، آزاد می‌شویم و بر اساس همان ضرورت و احساس به عشقی از امام می‌رسیم. آن هم نه عشقی ساده و سطحی، که عشق شکل گرفته و جهت یافته و تبدیل شده به حرکت و به سازندگی مهره‌هایی که این حکومت سنگین و بلند به آن احتیاج دارد.

بستر بحث

با پـذیرش اعتقاد به خـدا و ضـرورت وحی و رسالت، به امامت می‌رسـیم. با پـذیرش و اثبات این نکته که خدایی هست و ما محتاج اوییم که: یا ایها الناس انتم الناس الفقراء الی اللّه [۸] از حکم و خواسته‌ی او می‌پرسیم و به ضرورت وحی و دین و اضطرار به رسول و حجت می‌رسـیم. این همان جریانی است که در اذان و دعا نیز نشان دارد.در اذان پس از تکبیر به توحید می‌رسیم و ادامه‌ی توحید رسـالت است و ادامه‌ی رسالت، امامت. چه بگویی و چه بگـذری که دست‌آورد رسول احتیاج به وصـی و محافظی دارد. در دعا نیز می‌خوانیم: اللهم عرفنی نفسـک فانک ان لم تعرفنی نفسـک لم اعرف رسولـک الله عرفنی رسولـک... اللهم عرفتنی حجتک.... [۹] .ارتباط ضـرورت حجت با ضرورت وحی و اضطرار و افتقار الی الله، ارتباطی اساسی و تنگاتنگ است. بحث ضرورت و اضطرار الی الحجهٔ به دنبـال اضـطرار به خـدا و غیب و معاد و وحی مطرح می‌شود و می‌بینیم که مرحوم کلینی در کافی، بحث را با همین عنوان دقیق و حساب‌شده‌ی اضـطرار الی الحجهٔ آغاز کرده است.این خلاصه احتیاج به توضیح دارد: با درک ضرورت و اضطرار به دین - و نه انتظار از دین - که برخاسته از این نکته است که امکانات حسی، تجربی، عقلی و قلبی و غریزی آدمی، پاسخ‌گوی روابط عظیم انسـان بـا خودش و بـا اشیـاء و افراد آن هم با توجه به قـدر و اسـتمرار و ارتباطهای محتمل انسان با عوالم دیگر نیست و به ناتوانی و نارسـایی این نیروهـا و امکانـات برای این انسانِ بیشتر از هفتاد سال رسیدیم. ناچار ضـرورت وحی و دین مطرح می‌شود و در فرض ضرورت، دیگر تحلیل‌های فرویـدی و یونگی و اریک فرومی یا تحلیل‌های طبقاتی و تاریخی جایگاهی نخواهـد داشت. چون این‌ها آن جایی مطرح می‌شونـد که دین، ریشه در ضـرورت نداشـته باشد و آن‌جاست که باید جواب داد چرا امری غیر ضـروری این‌گونه در زنـدگی انسـان از گذشـته تـا حـال تأثیرگـذار یا مطرح بوده است. با این احتمال و اضـطرار به وحی و مـذهب، دیگر مـذهب امر

معقول یا یک راه از میان تمامی راه‌ها نیست که مذهب تنها راه است؛ و حداقل این چنین مذهبی، تمامی روابط انسان با خود، با اشیاء و با افراد دیگر است و برای این انسانی که تجربه و علم نمی‌تواند پاسخ‌گوی روابط این آب و نان و خوابیدن با دنیاهای محتمل با روابط احتمالی پیچیده باشد، حداقل مذهب در حوزه‌ی حیرت‌ها و یا احکام و شرایع نیست، بلکه تمامی زندگی عادی است. اگر ما از اثبات خدا و معاد و وحی به احتیاج به خدا و معاد و وحی روی بیاوریم و با این افتقار و اضطرار آغاز کنیم، دیگر به انتظار از دین نمی‌پردازیم؛ چون انتظار یک حالت است و اضطرار یک واقعیت. چه بسا تو هیچ انتظاری هم از دین نداشته باشی، اما این رسول است که با تو کار دارد و شروع کننده است. دین با رسول آغاز می‌شود و رسول با دگرگون کردن تلقی انسان از خویش، اضطرار به مذهب و احتیاج به دین را در جان انسان می‌نشاند. حتی اگر اعراض کند و یا انگشت در گوش خود بگذارد. آن‌جا که دین با رسول آغاز می‌شود، دیگر از انسان نمی‌پرسند که از دین چه انتظاری داری که می‌گویند: تو محتاجی، تو مفتقری، تو مضطری. انتم الفقراء الی الله و الله هو الغنی الحمید. [۱۰] .آزاداندیش‌ترین دین شناسان چون از این نقطه که ضرورت یا عدم ضرورت دین است، آغاز نکرده‌اند، گرفتار شده‌اند و در واقع با این پیش فرض که دین ضروری نیست و یک راه در کنار دیگر راه‌هاست، به تحلیل آن پرداخته‌اند و در حد یک امر قدسی به آن روی آورده‌اند و همین پیش فرض برای گرفتاری آن‌ها کافی است. چون فرض دیگری هم هست و آن ضرورت و اضطرار به دین است و آن هم با این احتمال که آدمی بیشتر از هفتاد سال استعداد دارد و بیش از یک زندگی راحت و دام روری بزرگ به او امکانات داده‌اند.در هر حال با این بینش از قدر و استمرار و ارتباط انسان، به اضطرار و ضرورت وحی و معاد و رسول می‌رسیم و با رسول پیوند می‌خوریم و به همان دلیل که به وحی و رسول محتاجیم، به امام و حجت هم محتاجیم که امامت ادامه‌ی رسالت است؛ چون به شهادت قرآن دو چیز مانع از کفر آدمی است. یکی قرآن، و دیگری، وجود رسول. کیف تکفرون و انتم تتلی علیکم آیات اللّه و فیکم رسوله. [۱۱] .به شهادت این آیه، معلوم می‌شود که دو چیز موجب حفظ مردم و مانع از کفر است. اول، تلاوت قرآن و دوم، وجود پیامبر. پس باید پس از پیامبر، خلیفه‌ای باشد که مانند پیامبر، حافظ امت باشد و کتاب خدا به تنهایی کافی نیست. افزون بر این‌که کتاب خدا، شامل همه‌ی قوانین نیست، بلکه به سنت پیامبر نیز احتیاج داریم و پس از پیامبر باید به باب علم او یعنی علی‌علیه السلام و عترت پیامبر مراجعه کرد. آنانی که فریاد حسبنا کتاب اللّه سر دادند، می‌دانستند که این کلام مخالف خود کتاب است که قرآن می‌گوید: اطیعوا اللّه و اطیعوا الرسول. و می‌گوید: ما ینطق عن الهوی.

ضرورت امامت

اشاره

امام شؤونی دارد [۱۲] که از جمله‌ی آن‌ها پیشوایی و رهبری جامعه است. امامت که همان پیشوایی و جلوداری است، طرح سیاسی شیعه برای اداره‌ی جامعه است. در نگاه شیعه، آدمی هم‌چنان که مضطر به وحی است، مضطر به امام معصوم نیز هست.این اضطرار و ضرورت از طرق مختلفی قابل استدلال است. [۱۳] آن‌چه در این‌جا آورده می‌شود، نگاه به مسأله از منظر دیگری است. در این نگاه، ضرورت امامت و اضطرار به حجت از دو طریق دیگر بررسی شده است. یک، اهداف حکومت و دیگری، قلمروی حکومت.

اهداف حکومت

امروزه اهداف حکومت‌ها در آزادی و امنیت و رفاه و بهداشت و آموزش خلاصه می‌شود. [۱۴] اگر اهداف حکومت‌ها فقط همین‌ها باشد، احتیاجی به طرح امامت و رهبری شیعه نیست که همان شورا و انتخاب، راه‌گشا است. اما اگر اهداف حکومت را

رشد انسان‌ها در تمامی ابعاد و استعدادها بدانیم یعنی همان‌که قرآن گوشزد می‌کند. [۱۵] و این‌که به آدمی بیاموزند که چگونه با حواس، احساس، فکر، عقل، قلب، وهم و خیال خود برخورد کند و به او هدایت و فرقان و میزان را ارزانی کنند و او را برای تمامی رابطه‌های محتمل و یا مظنون و یا متیقن آماده سازند آن‌وقت چاره‌ای جز پیوند با امامت شیعه و امام معصوم نیست. این رهبری و سرپرست، هدفی بالاتر از امنیت و پاسداری و بالاتر از رفاه و پرستاری دارد. این رهبری با هدف آموزگاری و شکوفا کردن استعدادهای انسان و با هدف تشکیل جامعه‌ی انسانی براساس قسط [۱۶] همراه است.حکومت‌هایی که جامعه‌ی انسانی را تا سرحد یک دام‌پروری بزرگ پایین می‌آورند، نه تنها به این همه وحی و کتاب و پیامبر و امام نیازی ندارند که حتی به عقل هم – قوه‌ی سنجش و انتخاب – هم نیازی نیست که عقل هم زیادی است و تنها غرایز و فکر – قوه‌ی نتیجه‌گیری – و تجربه برای او کافی است. این چنین حکومت‌هایی نه تنها اسلامی که انسانی هم نیست؛ چون این اهداف با اندازه‌های عظیم انسان ناسازگار است.اگر اهداف حکومت را هدایت انسان در تمامی ابعاد وهم، حس، فکر، عقل، قلب و روح او بدانیم، آن وقت باید به کسی روی بیاوریم که به این همه آگاه است و از تمامی کشش‌ها و جاذبه‌ها آزاد است و ترکیب آگاهی و آزادی همان عصمتی است که در فرهنگ سیاسی شیعه مطرح است و عصمت، ملاک انتخاب حاکمی است که مردم به آن راه ندارند؛ چون نه از دل‌ها آگاهند و نه بر فردا مسلط هستند.امام از ما به ما و مصالح ما آگاه‌تر و نسبت به ما از ما مهربان‌تر است. چون آگاهی او شهودی و وجودی است و محبت او غریزی و محدود نیست که ربوبی و محیط است.با تغییر اهداف حکومت، معیار انتخاب و روش انتخاب تفاوت می‌کند. این چنین اهداف بلندی، معیار و روش دیگری را می‌طلبد؛ همان معیار و روشی که در تفکر غنی و بینش عمیق شیعه مطرح است. همین است که دین مرضی – خداپسند – دین همراه مقام ولایت است. و رضیت لک الاسلام دینا. [۱۷] .حکومتی که می‌خواهد پاسدار امنیت و رفاه باشد، می‌تواند با شورا و انتخاب مردم مشخص شود، اما حکومتی که هدف هدایت، رحمت، بینات، میزان و فرقان را دارد و تمامی نسل‌ها را در نظر می‌گیرد و تمامی عوالم و بیشتر از هفتاد سال دنیا را ملاحظه می‌کند، پایه‌ها و ریشه‌های دیگری را می‌طلبد. پایه‌هایی که ریشه در درک ضرورت و اضطرار آدمی به حجت و امام دارد و با تسلیم و اطاعت به همراهی و معیت او می‌رسد و از تقدم و تأخر نجات می‌یابد، که: المتقدم علیکم مارق و المتأخر عنکم زاهق، فمعکم معکم لا مع غیرکم.

قلمرو حکومت

قلمرو حکومت تا کجاست؟ تنها در محدوده‌ی خانه و جامعه و هفتاد سال دنیا یا در وسعت هستی و تا بی‌نهایت عمر انسان؟ اگر تنها در محدوده‌ی همیشه‌ی دنیا و ۶۰ سال باشد، نه تنها هیچ نیازی به امام نیست که به وحی و کتاب و پیامبر هم نیازی نیست؛ چون برای روشن کردن یک چراغ فتیله‌ای، احتیاجی به نیروی اتمی نیست. این محدوده نیاز به این همه استعدادهای فردی و اجتماعی و عالی ندارد. بلکه غرایز کافی است و به بیش از آن نیازی نیست. اما برای انسان مستمر و مرتبط با تمامی عوالم متیقن و محتمل و مظنون که از استعدادهای او برداشته می‌شود، چاره‌ای جز پیوند با آگاهی که به تمامی این مجموعه آگاه باشد، نیست. آدمی بیش از هفتاد سال است و حکومت که قلمروی آن وسیع‌تر از خانه و جامعه و دنیاست، حاکمی می‌خواهد که بر این مجموعه آگاه باشد و بر این مجموعه مسلط باشد. اگر قدر و استمرار و ارتباط انسان ملاحظه نشود، می‌توان به همین حکومت‌ها با این شکل و شمایل‌های استبدادی و قراردادی و حکومت فلاسفه و دانشمندان و نخبگان دل‌خوش کرد و با روش‌های گوناگون به کنترل حاکم پرداخت و او را به کار مردم کشاند. اما اگر انسان در رابطه‌ای دیگر مطرح شود و در وسعتی دیگر بررسی شود، ناچار موضوع و شکل مسأله به طور کلی دگرگون خواهد شد.و داستان هم به واقع چنین است که انسان در هستی و کل نظام جهانی مطرح است. مسأله این است که انسان هم استمرار دارد و هم در این استمرار اتصال و پیوند دارد، پیوندی با جامعه و پیوندی با کل نظام و با کل هستی. این تنگ چشمی است که انسان فقط در محدوده‌ی جامعه و هفتاد سال دنیا مطرح شود، همین طرح غلط و محدود است که

دیدگاه او را در مسأله‌ی حکومت و رهبری محدود و تاریک می‌سازد. اگر این دید محدود و طرح غلط را کنار بگذاریم و انسان را در کل هستی مطرح کنیم، ناچار این انسان با این پیوند و ارتباط به حکومتی نیاز دارد هماهنگ با نظام هستی و به حاکمی نیاز دارد آگاه به این نظام و به قانونی نیاز دارد منبعث از این نظام و واقعیت. این چنین حکومت و قانون و حاکمی، مردمی، انسانی، واقعی و حقیقی خواهد بود. در این دیدگاه و با این بینش وسیع و مترقی است که طرح امامت شیعه جان می‌گیرد و مفهوم می‌شود. در این بینش، حکومت، امامت است و حاکم، امام و قانون، قانونی هماهنگ با کل این نظام. در این دید حاکم باید به تمام روابط انسان با هستی آگاه باشد و از تمام نظام باخبر باشد و گذشته از این آگاهی، باید از جذبه‌ها و کشش‌ها آزاد باشد که خلق را به راهی دیگر نکشد و شتر حکومت را بر در خانه‌ی خویش نخواباند.جمع این آگاهی و آزادی می‌شود همان عصمت که ملاک انتخاب حاکم است و در هنگامی که معصوم را نپذیرفتند، کار ولی فقیه – آن هم فقیهی که نشانه‌ها و علایمش را خود معصوم بیان کرده است – این است که این زمینه‌ها را فراهم کند و به معصوم دعوت نماید و پرچم او را برافرازد و با تربیت مهره‌های کارآمد و دگرگون کردن تلقی توده‌ها و تشکیل حکومت دینی، زمینه ساز ظهور آن حضرت و حکومت جهانی و فراگیر او باشد.در هر حال، این چنین طرحی می‌شود طرح حکومتی تشیع و این چنین طرحی با چنین بینش وسیع و مترقی، سزاوار این همه خون در تاریخ و این همه شور و حماسه در جامعه‌ی انسانی است. ما امامت شیعه و طرح حکومتی تشیع را فقط این‌گونه می‌توانیم بفهمیم و در این جایگاه می‌توانیم لمس کنیم. یک مسأله‌ی مهم این‌که این حاکم را تحمیل نمی‌کنند، فقط در دسترس می‌گذارند. این تویی که باید آن را کشف کنی و برداری. تویی که برای استخراج نفت چراغت و سوخت کارخانه‌ها و ماشین‌هایت این قدر کوشایی و کشف می‌کنی و بهره برمی‌داری، باید به خاطر نیاز عظیم‌تری که نیاز تو را در هستی تأمین می‌کنند و تو را و جامعه‌ات را از سطح دام‌پروری بالا می‌آورد، بکوشی و برای این کوشش مهره‌هایش را بسازی و افرادش را آماده کنی.خدا برای انسانی که در هستی طرح شده و با کل نظام رابطه دارد، حاکمی انتخاب کرده و در دسترس گذاشته است و او را با ملاک عصمت یعنی آگاهی و آزادی همراه ساخته است تا در هر دوره، آن‌ها که می‌خواهند به پا خیزند و مهره‌هایش را فراهم سازند.امامت، طرح آن‌هایی است که در این زندان نمانده‌اند و انسان را در جایگاه خودش طرح کرده‌اند و امام جلودار کسانی است که جلوتر از زمان را می‌خواهند. چون امام براساس واقعیت‌هایی، حکومت و رهبری می‌کند که هنوز علوم انسانی آن را کشف نکرده‌اند و جلوتر از علم و جلوتر از زمان و آگاهی انسان است؛ چون چنین امامی ضرورت دارد. پس وجود دارد و چنین امامی را تو باید کشف کنی و چنان امامتی را تو باید زمینه ساز باشی.با این بینش، تولد چنین امامی یک ضرورت است، حتی اگر تمامی تاریخ بر آن بشورند و تمامی قدرت‌ها و حکومت‌ها آن را نخواهند حکومت‌هایی که در چارچوبه‌ی منافع خویش و یا در محدوده‌ی هفتاد سال دنیا حکمران هستند و انسان‌ها را به بیگاری کشیده‌اند و آن‌ها را تا سرحد یک جامعه‌ی دام‌پروری به ابتذال کشانده‌اند و در مداری بسته به چرخ انداخته‌اند.این امام ضرورت دارد. پس وجود دارد. پس متولد می‌شود، در حالی که تمام قدرت‌ها و چشم‌های خلیفه‌ی عباسی برای نابود کردنش بیدار نشسته‌اند؛ که موسی در دامن فرعون بزرگ می‌شود و در حقیقت، فرعون‌های حاکم تاریخ، خود زادگاه موساهای تاریخ هستند. موساهایی که حکومت محدود آن‌ها را درهم می‌شکنند و انسان را در جایگاه خودش در هستی رهبری می‌کنند تا تمامی رابطه‌های انسان، حساب شده و هماهنگ باشد. ما تولد چنین امامی را پیش از آن‌که از دهان تاریخ و شهادت تاریخ بشنویم، از شهادت همین ضرورت شنیده‌ایم و باور کرده‌ایم که انسان در این هستی، پیوند و رابطه دارد و به این رابطه‌ها آگاهی ندارد. پس رسالتی می‌خواهد و امامتی؛ رسالتی که قانون این رابطه‌ها را بیاورد و امامتی که در هر نسل جلودار آن‌ها و امام زمان‌شان باشد.کسانی که این‌گونه اضطرار به ولی را احساس کرده‌اند، می‌توانند از جان و مال خود در راه این حق عظیم و پیمان الهی بگذرند و هستی خود را فدای امام کنند و هم‌چون یاران حسین‌علیه السلام جلوی او سرخ و گلی ظاهر شوند؛ [۱۸] که بدون ولیّ، زندگی محدود و کور است و با او مرگ، استمرار و حیات جاوید است. [۱۹] این بینش، آثار زیادی دارد و نه تنها بر انتظار ما

از حجت و انتظار ما برای حجت مؤثر است که بر تربیت و اخلاق و سیاست و حقوق و اقتصاد نیز تأثیرگذار است و تربیت و اخلاق دیگری را می‌طلبد که در جای دیگری باید از آن گفت‌وگو کرد.

پاورقی

[۱] مثل بیشتر کتاب‌هایی که در مورد حضرت نوشته شده است، از «غیبت» نعمانی و «کمال الدین» صدوق و «غیبت» شیخ طوسی گرفته تا بیشتر کتاب‌های امروزی هم‌چون «دادگستر جهان»، «امامت و مهدویت»، «سیمای امام مهدی» و....

[۲] تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، دکتر جاسم حسین و تاریخ عصر غیبت، پور سید آقایی، عاشوری، جباری و حکیم.

[۳] قیام و انقلاب مهدی(عج)، شهید مرتضی مطهری.

[۴] و اعظم خلاف بین الامهٔ خلاف الامامهٔ اذ ما سلّ سیف علی قاعدهٔ دینیهٔ مثل ما سلّ علی الامامهٔ فی کلّ زمان، ملل و نحل، ج ۱، ص ۲۴.

[۵] اشاره به آیه‌ی ۳ سوره‌ی مائده.

[۶] و لم یناد بشیءٍ ما نودی بالولایهٔ وسائل الشیعهٔ، ج ۱، ص ۱۰، ح ۱۰.

[۷] ر.ک: چشمه در بستر (تحلیلی از زمان‌شناسی حضرت زهرا علیها السلام) مسعود پورسید آقایی، ص ۴۸.

[۸] فاطر، ۱۵.

[۹] کافی، کتاب حجت، باب غیبت، روایت ۲۹، الغیبهٔ، نعمانی؛ کمال الدین، صدوق (این دعا در این سه کتاب مجموعاً به شش طریق روایت شده است).]

[۱۰] فاطر،۱۵.

[۱۱] آل عمران، ۱۰۱.

[۱۲] آن‌ها وسیله‌ی هدایت، بیان، امن، کرامت، نور، فلاح، ذکر، رحمت و بشارت هستند. آن‌ها شهداء، هداهٔ، ولاهٔ امر، خزانه‌ی علم، خلف و امین خدا هستند. آن‌ها امامان، انیس، شفیق، حصن و حافظ هستند. آن‌ها شاهد، مبشر، نذیر، فرمان‌فرما، معلم و حامل وحی هستند (اصول کافی، صص ۱۹۰ – ۲۰۱).

[۱۳] برخی برای اثبات امامت از دلایل دیگری استفاده کرده‌اند. ر.ک: کتاب‌های فلسفی و کلامی و متن سخنرانی آیت‌اللّٰه سبحانی در همین مجله.

[۱۴] ر.ک: بنیادهای علم سیاست، عبدالرحمن عالم، صص ۲۳۹ و ۳۶۷.

[۱۵] و هیئی لنا من امرنا رشدا (کهف، ۱۰)؛ اراد بهم ربهم رشدا (جن، ۱۰).

[۱۶] قسط غیر از عدل و بالاتر از آن است. عدل در برابر ظلم و قسط در برابر جور است. عدل به معنای مساوات و در شرایط یکسان، مساوی برخورد کردن است و قسط به معنای بهره و نصیب است یعنی بهره و نصیب هر کس (پدر، مادر، همسر، دوست و...) را دادن. و این بالاتر از عدل است. چه بسا کاری عادلانه باشد ولی قسط نباشد.

[۱۷] مائده، ۳.

[۱۸] الذین بذلوا مهجهم دون الحسین‌علیه السلام. زیارت عاشورا.

[۱۹] من مات علی حبّ آل محمد مات شهیداً. بحارالانوار، ج ۶۵، ص ۱۳۷.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۶۰۹۰به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
اصفهان
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹